

میدون و سوفیا

چرا باید توریست آلمانی را کتک بزینیم؟



► **پوریا عالمی**

● سلام سوفیا! واقعا خارجی‌ها چرا نباید برای ما بمیرند؟ هر روز در صف مدرسه آرزوی مرگشان را می‌کنیم! از آن طرف سیاست‌مداران ه‌ی هم را تهدید می‌کنند. نفت‌کش‌شان را هم که الان گرو نگه داشته‌ایم تا نفت‌کش ما را آزاد کنند. خب!

ما همیشه غر می‌زدیم که ایرانی‌ها مهمان‌نوازند و حساب ما از سیاست‌مداران جداست. تا اینکه دیروز این خبر را خواندیم: «یک توریست آلمانی که با دو چرخه اقدام به سفر در ایران کرده بود، در استان مازندران مورد سرقت و ضرب‌و شتم از سوی تعدادی از اراذل و اوباش شهرستان نشتارود که گفته می‌شود در شرایط عادی نیز نبودند، قرار گرفت و دچار آسیب‌دیدگی نیز شد». خوشبختانه بعد از کتک‌زدن این توریست آلمانی توسط ایرانیان مهمان‌نواز خیال مسئولان هم راحت شد که دیگر معذب ما نباشند و با خیال راحت کارشان را ببندند.

عاشق مهمان‌نواز تو؛ میدون دوم

تجربه ما

هیچ کودکی نباید کار کند

مصطفی لک قمی*



● در ارتفاع پنج‌هزار و ۲۰۰ متری بودیم، سرم سنگین بود، حالم بد شده بود، باهایم بعد از هر بار برخاستن به‌سختی به روی زمین فرود می‌آمد. احساس ضعف می‌کردم. دو شب نخوابیده بودم و بی‌اشتهایی باعث شده بود چیزی نخورم. کوله را درآوردم و به همراهم گفتم که نمی‌توانم. نمی‌آیم. تا همین جایش بس است؛ اما ناگهان یاد بنر‌ها افتادم. امروز بحث صعود و شمارشش نبود، امروز تکلیفی داشتم. بنر‌ها داخل کوله منظر بودند، منظر تا بر بام ایران برافراشته شوند. کودکان منظر بودند تا فریادشان شنیده شود. کودک نباید کار کند، او باید کودکی کند، بازی کند و شادی کند. کودک به جرم فقر پدر و مادر، چه مالی و چه فکری، نباید دستگیر شود. با کودک کار نباید جنگید، با کارکردن کودک باید ستم‌تیز کرد؛ نه! می‌شد تحمل کرد این دو ساعت باقی‌مانده را. سخت‌تر از تحمل‌کردن کودکان کار نیست، سخت‌تر از سه‌سالگی کارکردن نیست. سخت‌تر از کودکی نان‌آور خانه بودن نیست. سخت‌تر از دستگیری به جرم کارکردن و رد مرزشدن و دوباره آواره‌شدن نیست. تحملش سخت‌تر از خیلی صوری‌ها نیست. می‌روم، با تگرگ و برف تابستان در ارتفاع بلند همراه می‌شوم، از میان برف‌ها و صخره‌ها می‌گذرم، بوی گوگرد را به جان می‌کشم و صدای کودکان را در بلندترین نقطه می‌همم آواز می‌دهم: «هیچ کودکی نباید کار کند».

●**گوهرنورد و فعال حقوق کودک**

پرنده آبی

مد و لباس از منظری دیگر



شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۶ مرداد ۱۳۹۸ • ۲۵ ذی‌القعدة ۱۴۴۰ • ۲۸ جولای ۲۰۱۹ • سال شانزدهم • شماره ۳۴۸۶ • ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۲ • اذان صبح فردا ۴:۳۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

روزنارضا

کارتون خواب

آندره کاریلهو



آکادمی

به مناسبت روز جهانی هیاتیت

کجا بودیم، کجا هستیم و کجا باید باشیم؟



● **سیدهمید علویان دبیر جامعه جهانی هیاتیت**

از دیرباز تکتون، بشر با بیماری‌های عفونی متعددی روبه‌رو بوده به‌طوری‌که در برخی موارد به وقوع تلفات عظیم در جوامع بشری منجر شده است. هیاتیت‌های ویروسی نیز جزئی از این بیماری‌های کشنده محسوب می‌شوند به‌طوری‌که گزارش‌های متعددی از بروز ب‌رقان‌های شدید در جمعیت سربازان و مردم عادی در دوران جنگ‌ها در تاریخ به چشم می‌خورد. در میان انواع مختلف هیاتیت، نوع «بی و سی» آن از علل مهم سیروز کبدی و سرطان کبدی به شمار می‌روند. از این‌رو، سازمان بهداشت جهانی به عنوان یک دستورالعمل همه کشور‌ها را موظف به برنامه‌ریزی دقیق برای کاهش بار

این بیماری‌ها کرده است.

بیماری کبدی هیاتیت بی در اثر ویروس هیاتیت بی ایجاد می‌شود و از طریق واکسیناسیون قابل پیشگیری است. در دهه ۷۰ ما با مادرانی روبه‌رو می‌شدیم که بچه‌های خردسال آنها هم هیاتیت داشتند و این یعنی خانواده‌ای مبتلا به هیاتیت بی. اما خوشبختانه از سال ۱۳۷۳ که واکسیناسیون علیه

جشنواره مد و پوشاک توان‌یاب‌ها، سندروم داون و اُتیس‌می‌ها روز جمعه در محل مؤسسه بهزیستی و توان‌بخشی شهدای هفتم تیر با حضور خانواده‌ها، علاقه‌مندان و فعالان این حوزه برگزار شد. خبرگزاری ایرنا از این مراسم گزارش تصویری تهیه کرده بود و اکثر رسانه‌ها به انتشار این عکس‌ها پرداختند. عکس‌های این اتفاق با توصیف عکس‌های حال‌خوب‌کن، یک اتفاق دوست‌داشتنی و یک رویداد مهم، منتشر شد. این برنامه که به نظر می‌رسد گام اول آن با استقبال نسبی برداشته شده، آیا ادامه‌دار خواهد بود؟ چگونه می‌شود که شکل حرفه‌ای‌تر به آن داده شود؟ آیا این برنامه فقط یک فرصت برای دورهمی بود یا قرار است به شکل یک بیزینس باشد؟ چگونه می‌توان برای همکاری بین این علاقه‌مندان و شرکت‌های مطرح مد و لباس ارتباط برقرار کرد؟

در مغزپژوهی جدید، شعر از دنیای استعاره‌ها برمی‌خیزد که ریشه‌اش را در مغز اجتماعی و موسیقی درون آن باید جست‌وجو کرد. درد، احساسی است که از جنبشی درونی در مدارهای عمیق و میانی مغز ناشی می‌شود و گرچه پدیده‌ای زاینده تعامل با محیط و بافتار تاریخی آن است، اما مابازایی در جهان خارج از بدن ندارد. انسان نیز وجود درد را در دیگری، به‌طور غیرمستقیم از طریق واکنش‌ها و حرکات هیجانی و از راه احساس همدلانه درک می‌کند. در این خصوص، کسی نمی‌تواند از درد سخن بگوید مگر آن را تجربه کرده باشد. به روایت شاملو تا موسیقی درد در جان‌تان (به عبارتی دیگر در مدارهای مغزتان) ننشسته باشد، نمی‌توانید شاعر درد باشید. این درد ضربه‌های عاطفی زمان‌مند در قلب مغز را به کلمه تبدیل می‌کند تا در بافتار تاریخی، معناساز شود. به این روایت، از احساس موسیقایی درونی شعر سبید شاملومی است که مفهوم و معنا به ذهن مغز مخاطب نفوذ می‌کند.

درد جانفرسایی که شاملو در شعرهایش از آن می‌گوید ریشه در خشونت انسان بر علیه انسان در طول تاریخ دارد. او در تعریف شعر خود می‌گوید: «شعری است شکنجه‌دیده از وزن و قافیه، سر بزیر انداخته و می‌خواهد عریان بماند تا تماشاچیان داغ شکنجه را بر تن او ببینند».

نگاهی به اتفاقات مهم در زندگی او نشان‌دهنده عمق آمیختگی شعر او با درد و موسیقی است. شعر او فریاد از دردی است که انسان در دنیای ناعادلانه و به‌رحم و خشونت‌زده به انسانی دیگر تحمیل می‌کند. شاملو در شش‌سالگی در حین مراسم رسمی نظامی در خا، شاهد شلاق‌خوردن بی‌رحمانه سربازی در میانه غوغای صدای طبل و ششپور است. این مراسم در مغز پر از احساس همدلانه او غوغایی به پا می‌کند که نمی‌تواند از فریادزدن و گریه‌کردن بازداشته شود. تنها با احساس درد دو کشیده محکم غیرمنظره پدر و بهت و حیرت ناشی از آن است که آرام می‌گیرد و به خواب



● **عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه**

می‌رود تا فراموش کند. عجیب نیست که ضربه عاطفی این اتفاق در ضمیر پنهان مغزش بماند تا در موسیقی شعرهایش سر باز کند. چیزی نمی‌گذرد که او خود درد شکنجه را بر بدن خود احساس می‌کند. این زمانی است که ناظم مدرسه‌ای در مشهد او را به فلک می‌بندد و شلاق می‌زند. چنین است که مدار همدلی و همدردی مغزش در رابطه با شکنجه سرباز در خا،ش، تقویت می‌شود و احساس مشترک درد شکل می‌گیرد؛ دردی که نشانه وهن و شقاوت و زیرسؤال‌بردن شرف و فضیلت انسانی توسط انسانی دیگر است. شاملو در خاطرات خود می‌گوید: در سن حدود یازده، دوازده سالگی، کلاس چهارم دبستان در مشهد، صدای پیانوی دختر ارمنی همسایه که اتود شوین را تمرین می‌کرد، او را ساعت‌ها به پشت بام نزدیک می‌کشاند و یک روز بالای پشت بام مشرف به خانه دختر همسایه خوابش می‌برد و کتک مفصلی از این بابت نوش جان می‌کند. شاملو می‌گوید درد این کتک، موسیقی را در جاننش به تختی بلندتر می‌نشاند. حتما وقتی شاملو می‌فهمد که قطعات اتود شوین فقط برای شنونده درناک نیست، بلکه در دستان نوازنده نیز ایجاد درد می‌کند، طبیعتا می‌تواند موجب تقویت احساس همدلی و همدردی و پژواک آمیختگی درد با موسیقی در شعر شاملو شده باشد. او می‌گوید: شنیدن آن قطعات موسیقی آتچنان آتشی در من روشن کرد که سال‌های سال اصلا زندگی من به کلی زیر و رو شد. موسیقی تمام وجودم را تسخیر می‌کرد، چون نمی‌دانستم چیست، در من حالتی به‌وجود می‌آورد شبیه نخستین احساس‌های ناشناخته بلوغ؛ ملغمه لذت و درد، مرگ و میلاد... او بعدها می‌گوید: «... و بی‌کمان امروز هم در من، شعر عقده سرکوفته موسیقی است».

شاملو در شانزده‌سالگی، پس از آزادشدن از زندان متفقین، به اتفاق پدرش توسط دموکرات‌ها دستگیر می‌شود و ساعت‌ها در مقابل جوخه اعدام به انتظار مرگ بوده است. او به مجابی می‌گوید: «تن به مردن داده بودم، اما مرگ نمی‌آمد. انتظار کشنده و طولانی بود. هر لحظه شتایی حیرتانگیز داشت. هجوم هزاران خاطره از دهنم مرا به حد انفجار کشانده بود. چرا معطل می‌کردند، چرا کار را تمام نمی‌کردند؟». تردید فرمانده پناهگاه و مشورت با فرماندهش که پدر نظامی شاملو را می‌شناخت موجب شد پس از دو ساعت



● **سیدحسین موسوی‌چلک رئیس انجمن مددکاران اجتماعی ایران**

یکی از الزامات سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی‌های مرتبط در حوزه اجتماعی از جمله سلامت اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، کیفیت زندگی اجتماعی و... اتخاذ تدابیر لازم برای ایجاد نظام دیده‌بانی اجتماعی است تا سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در خلا صورت نگیرد و مبتنی بر شواهد و داده‌ها و اطلاعات سودمند و یافته‌های پژوهشی با تحلیل داده‌های موجود باشد. به همین دلیل، ضروری است تحولات و تغییرات اجتماعی و وضعیت اجتماعی و مؤلفه‌های مرتبط با این وضعیت به‌طور مستمر رصد شوند. بسترسازی برای «دیده‌بانی اجتماعی» یکی از راه‌های تحقق عملی این نظام رصد است؛ موضوعی که در حوزه اجتماعی بنا بر دلایل مختلف از جمله غلبه نگاه‌های غیرکارشناسی و غیرتخصصی در نظام مدیریت اجتماعی کشور، جدی گرفته نشده و درباره آن غفلت شده است. تقویت دیده‌بانی اجتماعی فرصتی برای مشارکت افراد مرتبط در حوزه اجتماعی برای سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در سطوح ملی و استانی و محلی برای ارتقای سلامت اجتماعی و روانی است. همچنین دیده‌بانان اجتماعی می‌توانند به سیاست‌گذاران اجتماعی، مشاوره‌های مؤثر در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌ها دهند، آینده‌نگری اجتماعی داشته باشند، ارزیابی سیاست‌های موجود را در حوزه اجتماعی انجام دهند، مؤلفه‌های اجتماعی

مغز اجتماعی-۷۵

پژواک موسیقایی قشعریره درد در شعر شاملو

انتظار با چشمان بسته جلوی جوخه اعدام، زنده بماند. در سال ۱۳۳، زمانی که هنوز بیست سال هم ندارد، به زندان می‌افتد و یاران نزدیکش را اعدام می‌کنند. او در مقابل همه دردهای ناشی از خشونت انسان بر علیه انسان، که به نظر او توهین به مقام و حرمت انسان است، با شعر موسیقایی خود به اعتراض و مقاومت برمی‌خیزد. درد شاعرانه او، درد هابیل (همنون) ناشی از خشونت به‌منوع دیگر (قابیل) است، درد ناکاهمی انسان که ارزش‌های زمینی زندگی جمعی را نمی‌داند و از آن استفاده نمی‌کند و به خشونت با دیگری روی می‌آورد. شاملو این‌را خوب می‌داند که این درد از ابتدای تاریخ بر روی کره زمین با انسان بوده است. در شعرهای منتشرشده شاملو، او آخرین‌بار در شعر خاطره (۱۳۷۲) است که از واژه درد استفاده می‌کند و این بار این درد ریشه‌دارتر است و از خشتونی می‌گوید که نه به آرد استفاده نمی‌کند و بلکه دامنه آن به طبیعت نیز گسترانده شده است. در این شعر موسیقایی شاملو حال خود را در یک شب و روز تابستانی در رابطه با آنچه به او و طبیعت می‌گذرد، به زیبایی ایجاز‌گونه‌ای توصیف می‌کند. او از ضمیر «ما» در این شعر استفاده می‌کند تا موقعیت دردآلود انسان در کل را توصیف کرده باشد، نه درد شخصی‌ه را. سرتاسر شب فقط زنجیره‌ای از صدای زنجره بر ذهن شاعر حاکم است. سحرگاه اتفاقی ناگهانی می‌افتد و قشعریره با لرزه و رعشه‌ای که مو بر تن راست می‌کند بر اثر درد صبحگاهی در جان لطمه‌دیده شاعر، هم‌زمان می‌شود با اخواب‌پریدن جنکل (واگشودن مرگان حیرت‌زده برکش و پلک آشفته‌گرمش)... از نعره سرخ ازگل اره زنجیری که درختان بریده‌شده به دست انسان را بر سبزی نگران دره می‌ریزند. این چنین است که شاعر با موفقیت بی‌نظیری احساس خود را به طبیعت بیرون از خود تسری می‌دهد و شعری می‌آفریند که در آن به معنای واقعی رستاخیزی از موسیقایی کلمات بر مدار درد بر پا می‌شود. شاملو با آمیختن واژه‌های آهنگین معنادار در متن، قشعریره‌ای موسیقایی در مغز مخاطب برپا می‌کند که ظنین آن را می‌توان چیزی حدود سه سال بعد نیز شنید، وقتی که در اردیبهشت سال ۱۳۷۶ بالاچار یای راست شاملو به علت قانقارای ناشی از دیابت بریده می‌شود.

یادداشت

دیده‌بانی اجتماعی مؤثر در سیاست‌گذاری اجتماعی

بحث دیده‌بانی اجتماعی جلوگیری شود تا بتوانند با آزادی عمل و صریح و صادقانه در این زمینه مشارکت فعال و مؤثر داشته باشند و در عین حال، حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی و البته انتقادپذیری در طرفین بحث دیده‌بانی را افزایش دهیم. یکی از انتظارات از دیده‌بانان اجتماعی نظارت بر عملکرد و وظایف و اختیارات سازمان‌های اجتماعی در حوزه‌های مختلف است تا مدیران پاسخ‌گویی وظایف خود در مقابل دیده‌بانان اجتماعی باشند. گرچه به نظر می‌رسد تا تحقق عملی این بخش از دیده‌بانی اجتماعی هم مثل بقیه بخش‌های دیگر فاصله بسیار طولانی در پیش داریم چراکه تحقق این بخش یعنی تحقق مطالبه‌گری اجتماعی از سوی این دیده‌بانان. بنابراین مدیریت اجتماعی هوشمند ظرفیت دیده‌بانی اجتماعی را برای شفافیت و مطالبه‌گری اجتماعی بسیار ارزشمند می‌داند و نهایت تلاش خود را برای تسهیل‌گری در این زمینه به کار می‌گیرد. فراموش نشود «رسانه‌ها» هم می‌توانند در کنار سایر ظرفیت‌هایی که در بالا به آنها اشاره شد، در زمینه دیده‌بانی اجتماعی نقش بسیار مؤثرتری ایفا کنند. نکته‌ای که در حوزه دیده‌بانی اجتماعی مهم است، این است که دیده‌بانان باید نسبت به حوزه دیده‌بانی خود اشراف اطلاعاتی داشته تا بتوانند تأثیرگذار باشند. دیده‌بانی اجتماعی به منزله «مچ‌گیری» نیست، بلکه دیده‌بانی اجتماعی را فرصتی برای مدیریت بهتر و هوشمندانه‌تر تلقی کنیم. گر چه خلا نظام دیده‌بان اجتماعی مؤثر و فعال را در کشور شاهد هستیم ولی می‌توان از همین ظرفیت‌ها هم برای تقویت این نظام در کشور استفاده کرد.

دیگران

و گاز‌های گلخانه‌ای دیگر تأثیر زیادی در تغییر اقلیم و گرمایش جهانی داشته است. شاید این وضعیت بدتر هم بشود. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهند تا سال ۲۰۵۰ سهم صنعت مد از انتشار گاز‌های گلخانه‌ای به ۲۵ درصد برسد. همین موضوع باعث شده است که همچنان فعالان محیط زیست به سیاست‌های شرکت‌های مد انتقاد کنند.

سایت بیزنس لیدر در این زمینه می‌نویسد: «مشکل این نیست که چه چیزهایی خریداری می‌شوند، مشکل فرهنگ دورانداختن لباس‌های قبلی برای خرید لباس جدید است».

درواقع به گفته این کارشناسان، اگرچه استفاده از محصولات پایدار می‌تواند ردپای زیست‌محیطی صنعت مد را کاهش دهد، اما کارشناسان هشدار داده‌اند که در پایان، این اقدامات باید به کاهش مصرف و کاهش خرید لباس منجر شوند تا زباله کمتری تولید شود.



تولید آب گياه به آب زيادی نياز دارد. برای توليد یک لیتر آب احتياج است. این میزان آبی است که هر فرد طی ۲.۵ سال می نوشد. جهت دو رودخانه‌ای را که زمانی منبع آب دریاچه آرال بودند، برای توليد همین کيان توسط اتحاد جماهیر شوروی به ازبکستان و قزاقستان تغییر دادند و حالا دریای دریاچه آرالی وجود ندارد.

همچنین این صنعت سهمی ۱۰ درصدی در انتشار گاز دی‌اکسیدکربن در جهان دارد؛ چیزی حدود پنج برابر حمل‌ونقل فضایی و بیشتر از تمام دی‌اکسیدکربن توليد شده در ایران. انتشار همین گاز

درباچه‌ای که خشک شد

خبرآنلاین: با وجود اینکه صنعت مد سالیان‌سال است که محیط زیست را آلوده می‌کند، تازه چندسالی است که این موج در بین تولیدکنندگان این حوزه به وجود آمده است؛ برای مثال سالانه چیزی حدود ۱۵۰ میلیارد لباس در زمین‌های مخصوص زباله دفن می‌شوند و معمولاً راهی برای بازیافت آنها هم وجود ندارد. در همین رابطه چند ماه پیش گزارشی منتشر شد که نشان می‌داد برند بربری برای اینکه لباس‌های خریداری‌نشده‌اش دست کسی نرسد، چیزی به ارزش ۳۸ میلیون دلار از لباس‌هایش را سوزانده است. حتی برند H&M که برنامه‌های سبز زیادی دارد هم در سال ۲۰۱۷ چیزی برابر ۵۰ هزار شلوار چین را سوزانده است.

از سوی دیگر در این صنعت که دومین حوزه آلوده‌کننده دنیاست، سالانه ۱.۵ تا ۲.۵ هزار میلیارد آب در این بخش مصرف می‌شود. کتان ماده‌ای است که تقریباً در ۴۰ درصد لباس‌ها وجود دارد و